

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

مقایسه سیمای آرمان شهر در «کلیله و دمنه» و «مرزبان نامه»

۱- مرجان علی اکبرزاده زهتاب ۲- فرزاد فرزی

۱- نویسنده مسئول: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد

ورامین - پیشوا، ایران

لطفاً برای مکاتبات از ایمیل شخصی استفاده شود و برای درج در مقاله از ایمیل دانشگاهی:

aliakbarzade@iauvaramin.ac.ir

ایمیل دانشگاهی برای درج در مقاله

ایمیل شخصی برای مکاتبات

akbarzademarjan@gmail.com

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (د)، ایران

farzadfarzi@gmail.com

چکیده

مسئله اصلی پژوهش حاضر که به شیوه تحلیلی-توصیفی فراهم آمده، مقایسه چگونگی سیمای آرمان شهر در دو اثر تمثیلی «کلیله و دمنه» و «مرزبان نامه» است. هدف آن است که توصیفات و تصاویر ارائه شده از آرمان شهر در هر دو کتاب مقایسه و بررسی شود. اهمیت موضوع به جهت ارزشمندی دیرینه مقوله آرمان شهر نزد بشر است. مهم‌ترین پرسش؛ سیمای آرمان شهر در هر دو اثر چگونه و دارای کدامین شباهت‌هاست؟ فرضیه؛ تصویر آرمان شهر در هر دو اثر اغلب یکسان است. برآیند؛ با توجه به خاستگاه ایرانی، هر دو اثر در حوزه آرمان شهر اساطیری قرار داشته و هر دو با وجود ادعای امنیت، خلل آسیب‌پذیری در آرمان شهرها را دارند.

کلمات کلیدی: کلیله و دمنه، مرزبان نامه، آرمان شهر، اساطیر، ایران باستان.

Comparison of the image of Utopia in "Kalileh and Demeneh" and "Marzaban Nameh"

Abstract

The main issue of the current research, which is provided in an analytical-descriptive way, is the comparison of the image of Utopia in two allegorical works "Kalileh and Demaneh" and "Marzbannameh". Its purpose is to compare and analyze the descriptions and images presented of Utopia in both books. The importance of the topic is due to the long-standing value of the concept of utopia to mankind. The most important question; What is the appearance of Utopia in these two works and what similarities does it have? hypothesis; The image of Utopia in both works is often

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

the same. result; Considering the Iranian origin, both works are located in the field of mythological utopias and despite the claim of security, both of them have the defect of vulnerability in utopias.

Key words: Kalileh and Demeneh, Marzbannameh, Utopia, mythology, ancient Iran.

مقدمه و هدف

بشر از دیرباز در آرزوی دستیابی به شیوه‌ای از زندگی بی‌کم و کاست بوده. شهر آرمانی، مدینه فاضله، عصر زرین، بهشت این جهانی و ناکجاآباد همگی جلوه‌هایی از این آرمان خیال‌انگیز بشری به شمار می‌رود. این مکان آرمانی، بدون کاستی و هرگونه کژی و ناراستی، گویی مفری برای گریز از بی‌نظمی و بی‌عدالتی است. اندیشه‌های آرمان‌شهری با توجه به نظریه «اتوپیا» که توسط افلاطون^۱ (۴۲۷ پ. م - ۳۴۷) مطرح شده و آرمان‌شهر ایرانی که در متون کهن دینی ایران از قبیل «دینکرد» به فارسی میانه (پهلوی) آمده و در دوره پس از اسلام توسط برخی از دانشمندان از قبیل ابونصر محمد فارابی (۲۵۹ هـ ق - ۳۳۹) تحت عنوان نظریه سعادت در مدینه فاضله تبیین شده، تضمین‌کننده سعادت و بهروزی کامل زندگی آدمی، بوده است. این اندیشه‌ها در ایران باستان به گونه‌ای اساطیری وجود داشته یعنی به جای آن که مانند اندیشه‌های آرمان‌شهری در یونان از خرد و تفکر فلسفی نشات گیرد از ادراک رمزآلود اساطیری و افسانه‌ای مایه گرفته است. زیرا تفکرات خردورانه بشری را می‌توان، مرحله پس از اندیشه‌های اسطوره‌ای به شمار آورد: «هنگامی که ذهن بشر از بند اسطوره‌ها رست و آرزوهای خود را در پرتو خرد و دانش دست یافتنی دانست، تصور شهر آرمانی را از دیار اسطوره‌ها به قلمرو خرد آورد» (اصیل، ۱۳۷۱: ۱۵). جامعه آرمانی ایران باستان به دور از نیروهای اهریمنی در پناه صلح و آرامش اهورایی همراه با رفاه و شادمانی است. از آنجا که مقاله پیش روی به سیمای آرمان‌شهر در «کليلة و دمنه» و «مرزبان‌نامه» خواهد پرداخت ابتدا به هردو کتاب نگاهی گذرا افکنده شده:

کتاب کليلة و دمنه با شیوه داستان‌پردازی تودرتو و حاوی حکایات اخلاقی را اگرچه به هندوان نسبت داده‌اند اما مولف «الفهرست» (تالیف ۳۷۷ هـ ق) این کتاب را تالیف ملوک اشکانی و یا به‌طور کلی ملوک قدیم فرس دانسته که ایشان آن را به هندیان نسبت داده‌اند (ابن ندیم؛ ۱۳۹۴: ۴۵). «جاحظ» (۱۶۰ هـ ق - ۲۵۵) در کتاب «البيان و التبيين» و «ابن خلکان» (۶۰۸ هـ ق - ۶۸۱) در کتاب «وفیات الاعیان» و «سر دنیسن راس» (۱۸۷۱ م - ۱۹۴۰) مستشرق انگلیسی نیز بر همین عقیده‌اند (ر. ش به: محبوب، ۱۳۳۶: ۱۰، ۴۶، ۵۶). البته درباره نویسندگان باب بزرگمهر حکیم و نیز باب برزویه طبیب که هردو ایرانی تردیدی وجود ندارد. به هر حال سرچشمه‌های کتاب را می‌توان از ادب سانسکریت به‌ویژه دو کتاب مقدس هندوان «پنجاتنتر» و «مه‌بهاراتا» دانست. نخستین گردآوری این کتاب را به

¹- Utopia

²- Plato

³- Sir Edward Denison Ross

⁴- Panjatantra

^۵- Mahabharata

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

برهمنی ویشنویی و ناشناس در حدود قرون سوم تا پنجم میلادی نسبت داده‌اند. او علاوه بر گردآوری حکایات آن‌ها را آراسته و پیراسته نیز نموده است. (همان: ۱۹-۲۱)

این اثر به دستور انوشیروان ساسانی (۵۷۹-۵۰۱ م) مشهور به «انوشیروان دادگر» توسط برزویه طبیب، پزشک دربار پادشاه از هندوستان گردآوری، به ایران آورده و از سانسکریت به پهلوی ترجمه شده است. «ابن مقفع» (۱۰۴ هـ-۱۴۲) دانشمند، ادیب و سخن‌دان ایرانی، مشهور به «روزبه» در اواسط قرن دوم هجری آن را با افزودن باب‌ها، حکایات و آرایه‌هایی بسیار از پهلوی به عربی ترجمه کرد. وی در جوانی مغضوب حاکم بصره، «سفیان بن معاویه» (۵۶۰ م-۶۸۰) قرار گرفت. او «فرمان داد تنوری افروختند و اندام وی را یک‌یک بریدند و پیش چشم او به آتش انداختند» (زرین کوب، ۱۳۷۸: ۲۷۰). رودکی در دوره سامانیان کلیل و دمنه را به نظم کشید که امروزه تنها ابیاتی پراکنده از آن به جای مانده (صفا، ۱۳۷۴: ۷۸). بنا بر قول مجتبی مینوی برترین و ارزشمندترین ترجمه فارسی این اثر بی‌شک از «نصرالله منشی» (مقتول ۵۸۲ هـ؟) است. او در اثر سعایت بدخواهان در زمان «خسرو ملک» (۵۵۹-۵۸۳ هـ) به زندان افتاد و سرانجام در آن‌جا به قتل رسید (محمدتقی، ۱۳۶۸: ۲۵۶). نصرالله منشی کلیل و دمنه را در ۵۳۸ هـ-۵۴۰ به نام بهرام‌شاه غزنوی (۵۱۱ هـ-۵۵۲) به گونه‌ای که پیوسته الگوی فصاحت و بلاغت بوده با ترجمه‌ای آزاد ضمن افزودن آرایه‌هایی ادبی و بلاغی انشا کرده بدو تقدیم نمود (مقدمه منشی، ۱۳۷۱: ط). این اثر به شیوه داستان‌پردازی معهود در ایران و هند؛ بیان‌پند و انتقاد از سوی جانوران و گیاهان است و با وجودی که از یک داستان مرکزی یا هسته‌ای برخوردار است شبکه‌ای از داستان‌های درهم تنیده و تو در تو نیز دارد. داستان‌ها حول محور دو شغال به نام کلیل و دمنه آفریده شده است. هرچند ترجمه‌های بسیاری از این کتاب فراهم آمده که در این پژوهش مجال پرداختن بدان‌ها نیست اما ترجمه نصرالله منشی با نثر منشیانه خود همواره چنان الگوی نگارش در طول تاریخ مورد تقلید قرار گرفته است.

مرزبان‌نامه شامل حکایت‌ها و تمثیل‌هایی تعلیمی است که به تقلید از شیوه نگارش کلیل و دمنه توسط «اسپهبد مرزبان بن رستم شروین» از شاهزادگان طبرستان در اواخر قرن چهارم هجری به زبان طبری تألیف شده. امروزه اصل کتاب در دست نیست. گفته شده «مرزبان بن رستم» مصنف اصلی کتاب آن را از منابع کهن گردآوری کرده اما برای ایجاد اعتبار و ماندگاری اثر خود آن را به سپهبد مرزبانی هم‌نام خود منسوب کرده و ترجمه اثر او خوانده است (مجتبایی، ۱۳۹۰: ۹). نیز نویسنده «مجمع الفصحا»، مرزبان‌نامه را تألیف مرزبانی فارسی یا منسوب بدو شمرده است. (هدایت، ۱۳۸۲، ج ۲: ۷۶) موضوع کتاب در آیین کشورداری و پادشاهی حاوی حکایاتی تمثیلی است که مرزبان آن را به فرزند ارشد خود که به تازگی به پادشاهی رسیده تقدیم کرده است.

«سعدالدین وراوینی» در اواسط قرن هفتم در سال‌های ۶۱۷ هـ-۶۲۲ این اثر را ضمن افزودن و آراستن به صنایع لفظی و معنوی و اشعار تازی و پارسی و امثال و اخبار از زبان طبری به فارسی دری برگردانده است (مقدمه وراوینی، ۱۳۸۹: ب). او مانند اکثر دبیران و کتاب‌فاضل زمان خود، شاعر نیز بوده است (بهار، ۱۳۷۰، ج ۳: ۱۵). این اثر در همان روزگار به «محمدبن قاضی ملتپویی» رسیده و نیز با افزودن آرایه‌های ادبی به ترجمه آن همت گماشته و آن را «روضه العقول» نامیده اما همواره ترجمه سعدالدین مورد توجه و مقبولیت

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

ادبا قرار گرفته است (وراوینی، ۱۳۸۹: ۱۹). او از شیوه متکلفانه هم‌عصران خود پرهیز نموده، به سبک کلیله و دمنه بسیار نزدیک است اما در آن صنایع سجع و ازدواج بیش از کلیله و دمنه وجود دارد (بهار، ج ۳، ۱۳۷۰: ۱۶-۱۹). هرچند کتاب در دوره اسلامی ترجمه شده اما خاستگاه آن به دوران ساسانیان باز می‌گردد؛ دارای اسامی افراد و جای‌های ایران کهن است، عناصری از دین زرتشتی و گاه مانوی دارد. بازتاب فرهنگ بابلی به‌وضوح در آن مشهود است، روابط میان زنان و مردان، بیانگر فضای پیش از اسلام است و همواره در حکایات نمادهایی از ایران باستان وجود دارد (ر. ش به؛ رضایی، ۱۳۸۹: ۶۰-۶۶).

هر دو کتاب کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه دارای خاستگاه ایرانی است حتی اگر کلیله دمنه را دارای خاستگاه هندی بدانیم با افزودن حکایات، باب‌ها و تمثیلاتی توسط ادبای ایرانی پیش از اسلام و پس از آن کاملاً تحت تاثیر فرهنگ باستانی ایران قرار گرفته است. هر دو کتاب با بیان حکایاتی از زبان حیوانات که تمثیلی از انسان‌ها و روابط میان جامعه انسانی به شمار می‌روند، در زمره ادب تعلیمی قرار گرفته و به‌گونه‌ای در بسیاری از موارد قصد نمایش جامعه‌ای آرمانی را دارند که در پرتوی پیروی از اخلاقیات و عدالت‌محوری شکل گرفته است.

مسئله اصلی تحقیق پیش روی مقایسه تصاویر آرمان‌شهری در کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه است در این‌جا مقصود از آرمان‌شهری وجه سیاسی، حکمرانی و کشورداری آن نیست بلکه مقاله حاضر برآن است چگونگی تصاویر و توصیفات این دو کتاب از آرمان‌شهری را مقایسه کند. اهمیت و ارزش این پژوهش به جهت ارزش دیرینه و دیرپای تفکرات آرمان‌شهری در نهاد بشر است و نیز از آن‌جا که دو متن مورد نظر به دوران‌های باستانی ایران بازمی‌گردند یعنی بنیان کلیله و دمنه به قوم هند و ایرانی که از اقوام کهن شرقی به شمار می‌آیند، بازگشته و متن اصلی مرزبان‌نامه نیز به ایران باستان باز می‌گردد، بنابراین انجام چنین تحقیقی برای روشن شدن اندیشه‌های باستانی و فرهنگ و جهان‌بینی در مشرق‌زمین به‌ویژه در ایران ضروری به نظر می‌رسد. مهم‌ترین پرسش‌های تحقیق آن است که: تصاویر ارائه شده از آرمان‌شهر در کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه چگونه است؟ و میان این تصاویر کدامین شباهت‌ها یافت می‌شود؟ فرضیه آن است که با توجه به نزدیکی خاستگاه این دو کتاب یعنی بنیان هر دو که به ایران باستان و به‌طور کلی فرهنگ شرقی باز می‌گردد و نیز تقلید مرزبان‌نامه از کلیله و دمنه می‌توان سیمای ایران‌شهر اساطیری و بسیار یکسانی را در هر دو اثر بازجست و تحلیل نمود.

تئوری و پیشینه تحقیق

آرمان‌شهر، اتوپیا و یا مدینه فاضله که تحقیق پیش روی به مقایسه سیمای آن در کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه پرداخته است، گاه در پژوهش‌هایی به گونه‌ای مجزا در حوزه ایران باستان مورد مطالعه قرار گرفته مانند: «آرمان‌شهر در اندیشه ایرانی» تالیف حجت‌الله اصیل (۱۳۷۱). گاهی در مرزبان‌نامه بررسی شده مانند: «جنبه‌های اخلاقی اجتماعی سیاست در باب اول مرزبان‌نامه» محقق مرضیه فخاری (۱۳۸۷) که پژوهشگر فقط به باب اول و حوزه‌های اخلاقی و اجتماعی مرزبان‌نامه بسنده کرده و یا؛ «آیین حکمرانی در متون تعلیمی - تمثیلی فارسی: (کلیله و دمنه، مرزبان‌نامه و روضه العقول)»، توسط ندا علیزاده (۱۳۹۴) همان‌طور که از عنوان آن برمی‌آید پژوهشگر فقط به جنبه‌های حکمرانی و سیاست پرداخته و به دیگر جنبه‌های آرمان‌شهری نظر نداشته است. در برخی پژوهش‌ها فقط

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference and Research in Persian culture, language and literature

به کلیله و دمنه پرداخته شده مانند: «سیر و تداوم اندیشه‌های ایران شهری در کلیله و دمنه» از بیژن ظهیری ناو و همکاران (۱۳۸۹). بنابراین گرچه پژوهش‌های پراکنده‌ای در حواشی موضوع حاضر انجام شده اما تاکنون تحقیقی از منظر مقاله پیش روی صورت نپذیرفته است و انجام چنین پژوهشی ضروری به نظر می‌رسد.

مواد و روش‌ها

این مقاله به شیوه توصیفی-تحلیلی از گونه کیفی و هنجاری و با استناد به متن دو کتاب کلیله و دمنه ترجمه نصرالله منشی به تصحیح مینوی (۱۳۷۱) نیز ترجمه مرزبان‌نامه از سعدالدین وراوینی به کوشش خطیب رهبر (۱۳۸۹) فراهم آمده است. شیوه جمع‌آوری اطلاعات به روش اسنادی و بر اساس مطالعه کتابخانه‌ای به گونه تطبیقی و ترکیبی بوده، اسناد و مدارک موجود، اعم از کتاب و مقاله که هر یک به نوعی با موضوع مورد نظر ارتباط معنایی داشته‌اند، بررسی شده است.

بحث

آرمان‌شهر، پیش و پس از اسلام

آرمان‌شهر در دوره اساطیری

شهر آرمانی در تفکر ایرانیان باستان، جنبه اسطوره‌ای داشته و چونان بهشتی در این جهان خودنمایی می‌کرده: «بهشت این جهانی معمولاً جایی است خوش و فرح‌بخش که در گوشه‌ای دوردست یا ناپیدا از کره خاکی، قرار گرفته در بیش‌تر موارد مشیت پروردگار در بنیادگذاری و نگاه‌داری آن دخالت دارد. باشندگان آن یا به پاداش عمل صالح یا به عنوان پیروان برگزیده یک دین در آن ساکن می‌شوند. در بهشت این جهانی آسایش و فراغت باشندگان، کامل است. مردم بیمار نمی‌شوند. رنج و بیماری نمی‌شناسند و گاهی عمر جاویدان دارند یا زندگی آنان دراز و غرقه در نعمت و شادابی است» (اصیل، ۱۳۷۱: ۱۷). اغلب توصیفات آرمان‌شهرهای اساطیری، بیرونی، پیکری و ظاهری است. از شهر «ورجمکرد» یا «ورجم کرت» در مفهوم لغوی باغ یا غاری که جمشید آن را ساخت، به‌عنوان نخستین آرمان‌شهر در دوره اساطیری یاد شده؛ «جمکرد را گوید که جمشید زیر زمین و به نهفتگی خانه‌ای ساخت که به شگفتی روشن است که تابستان و زمستان بر او چیره نگردد. در او، از همه چیزهای گیتی وجود دارد» (کزازی، ج ۱، ۱۳۸۵: ۳۱۰). تمامی اهالی این شهر از هر کاستی و نقصی که از نشانه‌های اهریمن است، دور بوده‌اند: اهورامزدا به جمشید گوید که در انتخاب این جفت‌ها و نژادها بایستی کمال دقت را رعایت نماید. انتخاب شدگان بایستی به هیچ وجه نقصی از لحاظ جسمی و اندام داشته باشند، بایستی از لحاظ کلی و اصولی کوتاه‌اندام، زشت‌چهره، بدکار، نیرنگ‌باز، دروغ‌گو، حسود، جذامی و سرانجام دارای هیچ عیبی نباشند و از کلیه نشانه‌های اهریمنی پالوده و پاک باشند (همان).

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

از شهرهای آرمانی دوران اساطیری، «گنگ‌دژ» است. این آرمان شهر بر اساس کتاب‌های دینی زرتشت «مانند دیگر شهرهای اساطیری مینوی، نخست در آسمان بوده و کیخسرو سیاوشان (کیخسرو پسر سیاوش) آن را به زمین آورد و در محل سیاوشگرد قرارش داد و با هزار ارم و هزار میخ به زمین استوارش کرد» (اصیل، ۱۳۷۱: ۴۲). در بندهشن درباره این شهر چنین آمده: «گنگ‌دژ را گوید که دارای دست و پای، افراشته درفش، همیشه گردان، بر سر دیوان بود. کیخسرو آن را به زمین نشانده؛ او را هفت دیوار است، زرین، سیمین، پولادین، برنجین، آهنین، آبگینه‌ای و کاسگین (لاجوردی)؛ او را هفت‌صد فرسنگ راسته در میان است و پانزده دروازه بدوست که از دروازه تا دروازه به گردونه آسی و روز بهاری به پانزده روز شاید شدن» (کزازی، ج ۱، ۱۳۸۵: ۳۱۱).

گنگ‌دژ علاوه بر منابع زرتشتی در شاهنامه فردوسی نیز به تصویر کشیده شده است. گنگ‌دژ شاهنامه (برخلاف گنگ‌دژ منابع زرتشتی که صیانت از آن برعهده هفت مرغ است) از دیدگاه طبیعی، تسخیرنشده است، زیرا در میان کوه‌های بسیار بلند استقرار یافته است و تنها راه آن به بیرون تنگ‌های است به طول ده فرسنگ که از آن‌جا پنج مرد می‌توانند راه را بر صد هزار مرد جنگی ببندند. کیکاوس در کوه البرز هفت کاخ به نام کاخ کیکاوس بنا کرد که «یکی زرین بود که بدو بر می‌نشست؛ دو تا از آبگینه بود که او را آسپستان بود؛ دو تا پولادین بود که او را رمه بدان بود. از آن، به هر مزه‌ای چشمه آب بی‌مرگی تازد که پیری را چیره گردد؛ زیرا هنگامی که پیرمرد بدین در اندر شود، برنای پانزده ساله بدان در بیرون آید و مرگ را نیز از میان برد» (همان). افراسیاب نیز خانه یا کاخی بنا کرده که در بندهشن در مورد آن آمده است که: «زیر زمین به جادویی ساخته شده است. به روشنی، خانه در شب چون روز بود. چهار رود در آن می‌تازد، یکی آب، یکی، می، یکی شیر، یکی ماست زده. بر سقف آن، گاه خورشید و گاه ماه به روشنی در آراسته است. به بالای یک هزار مرد میان بالا بالای آن خانه بود» (همان). در بنیان و شالوده آرمان شهر اساطیری، شاهی پر عظمت و مقتدر وجود دارد که دارای فره ایزدی باشد و به مدد آن بتواند عدالت، دین‌داری و نظم را به ظهور رساند. در خصوص «فر» یا «فره» سخن بسیار است که در این اندک مجال آن نیست (رش به؛ نجفی و فرزی، ۱۳۹۳: ۱۳۱-۱۳۵).

الف- نمودار «آرمان شهر در دوره اساطیری»:



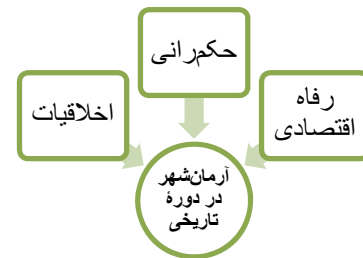
چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

آرمان شهر در دوره تاریخی

در دوران تاریخی به معماری، ظاهر و شکوه و جلال آرمان شهر توجه نشده به جای کالبد شهر، روح آن و ارتقای آن به لحاظ معنا مراد بوده است. یعنی نحوه حکومت سیاسی، رفاه اقتصادی و امور اخلاقی مورد توجه قرار گرفته؛ «در عصر بهرام گور و عصر زرین انوشیروان، آرمان شهر عمدتاً به صورت غیرکالبدی توصیف شده است و تنها از نحوه زیست آدمیان، اخلاق، نحوه حکومت حاکم و مواردی از این قبیل سخن به میان آمده و به خصوصیات کالبدی شهری که انسان‌ها در آن می‌زیند، توجهی نشده است» (اصیل، ۱۳۷۱: ۴۴). باید توجه داشت که در چنین آرمان شهری رفاه اقتصادی و پیروی از اخلاقیات در سایه حکمرانی شایسته حاصل می‌شود. یعنی حاکم شایسته در راس این هرم قرار دارد. از آن‌جا که این مقوله در حوزه سیاست و حکمرانی در آرمان شهر قرار گرفته و پژوهش حاضر به توصیف سیمای کلی آرمان شهر پرداخته، در این اندک، مجال برای پرداختن بدان وجود ندارد. (ر. ش به: علیزاده، ۱۳۹۴: ۱۰-۱۵)

ب- نمودار «آرمان شهر در دوره تاریخی»:



آرمان شهر در دوره‌های اسلامی

پس از اسلام، آرمان شهر ایرانی در سه عرصه قابل بررسی است که گاهی نیز با یکدیگر هم‌پوشانی دارند:

۱- آرمان شهر در عرصه فلسفه؛ حکمای ایرانی مانند فارابی، ابن سینا، خواجه نصیرالدین طوسی، «مدینه فاضله» را مطرح کرده‌اند. در این عرصه نیز مانند دوره تاریخی کم‌تر به ویژگی‌های کالبدی شهرها پرداخته شده و معمولاً آرمان شهرهای ایرانی دارای چند ویژگی بارزاند؛ بنیان و شالوده شهر بر رهبری حکیم استوار است که حکومت او امری ضروری، ناگزیر و ضامن بقای جامعه مدنی است. نظام سیاسی- اجتماعی طبقاتی حاکم است و هر فردی بر حسب شایستگی‌های خود در طبقه‌ای قرار دارد که سزاوار اوست (همان: ۶۸).

۲- آرمان شهر در عرصه صورت مثالی؛ آرمان شهر مثالی، تخیلی و تصویری است که در عالم مثالی رخ می‌نماید. در این شهر آرمانی جنبه‌هایی چون برابری، برادری و دوستی تعریف شده، دیگرآزاری در آن راهی ندارد و فاقد حکومت است (همان: ۷۲).

۳- آرمان شهر در عرصه دین؛ «انتظار»، آرزو و کوشش برای ظهور منجیبی که قادر است عدالت و برابری را بگسترده، بنیان چنین آرمان شهری را تشکیل می‌دهد. تفکر منجی عالم در میان شیعیان، مسیحیان و نیز زرتشتیان وجود دارد. برای مثال از دیدگاه تشیع پس

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

از ظهور حضرت مهدی (عج)، صلح، آرامش، رفاه، آسایش، برابری و برادری جهان شمول خواهد گشت. حتی شهرهایی را نام برده‌اند که اکنون وجود دارد و تحت فرمان فرزندان امام زمان (عج) است و جامعه شیعیان در آن‌ها قرین سعادت زندگی می‌کنند. در کتاب «اثبات الهداة» درباره اقامتگاه قائم آمده: «حضرت مهدی (عج) و فرزندان او در جزیره‌هایی بسیار بزرگ و پهناور در دریا زندگی می‌کند و عدد شیعیان آن‌جا بسیار زیاد است» (به نقل از: جمعی از نویسندگان، ج ۱، بی تا: ۹۶). توصیف این آرمان شهر به توصیفات اساطیری نزدیک شده و این گونه به کالبد و معماری شهر آرمانی پرداخته است؛ «بَلَدِ مَهْدِی، یکی دیگر از اماکن سکونت حضرت ولی عصر (عج) است. بَلَدِ مَهْدِی شهری نیکو و محکم است که آن را مهدی فاطمی بنا کرده و برای آن قلعه‌ای قرار داده است» (همان).

ج- نمودار «آرمان شهر در دوره‌های اسلامی»:

آرمان شهر در دوره‌های اسلامی	صورت مثالی آرمان شهر:
	فاقد حکومت
	عدالت و برابری
	دوستی و برادری
	فاقد دیگر آزاری
آرمان شهر فلسفی (مدینه فاضله فارابی، ابن سینا و خواجه نصیر الدین طوسی):	
رهبری حکیم	
حکومتی ضامن بقای جامعه	
نظام سیاسی - اجتماع، طبقات	
آرمان شهر دینی:	
در انتظار منجی موعود	

آرمان شهر در کلیله و دمنه

کلیله و دمنه را خواه دارای خاستگاه ایرانی بدانیم و خواه خاستگاه هندی به هر حال همان طور که پیش ازین نیز گفته شد این اثر تعلیمی تاثیرگذار بر ادب فارسی توسط ایرانیان تکمیل و پیراسته شده و اندیشه‌های آرمان شهری در حکایات تودرتوی آن به روشنی خودنمایی می‌کند که در این مختصر به چندی از آن‌ها به ترتیب حکایات پرداخته می‌شود:

۱- در «باب شیر و گاو»؛ هنگامی که «شنزبه» (گاو) از مرگ محتوم رسته بود و «در طلب چراخور می‌پویید» (منشی، ۱۳۷۱: ۶۰)، تا خوراکی بخورد و نیرو یابد «به مرغزاری رسید» (همان) که توصیف آن به بهشت این دنیایی می‌ماند: «آراسته به انواع نبات و اصناف ریاحین. از رشک او رضوان انگشت غیرت گزیده و در نظاره او آسمان چشم حیرت گشاده» (همان). این بهشت آن چنان دل‌پذیر است که بهشت جهان برین نیز به آن رشک می‌ورزد. در ادامه هم چنان این مکان آرمانی توصیفی ظاهری و کالبدین دارد: «بهرسو یکی آب دان چون گلاب // شناور شده ماغ بر روی آب (همان)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۲- در داستان «ماهی خوار و خرچنگ» از باب شیر و گاو؛ هنگامی که ماهی خوار با مکاری قصد صید ماهیان را دارد، برکه‌ای خیال‌انگیز و آرمانی را برای پنج‌پایک چنین به تصویر می‌کشد (تا او این بهشتی‌جای را برای ماهیان نیز توصیف کند)؛ در این نزدیکی آب‌گیری می‌دائم که آبش به صفا پرده‌درتر از گریه عاشق است و غمازتر از صبح صادق، دانه ریگ در قعر آن بتوان شمرد و بیضه ماهی از فراز آن بتوان دید» (همان: ۸۳) و در وصف بزرگی، ژرفی و بی‌انتهایی این آب‌گیر گوید که ماهی محبوس شده در آن به انتها و عمق آن نمی‌رسد؛ «لَا يَبْلُغُ السَّمَكُ الْمَحْصُورُ غَايَتَهَا // لِبُعْدِ مَا بَيْنَ قَاصِيهَا وَ دَانِيهَا» (همان). پس از توصیف ظاهری و کالبدین آن همان‌گونه که از ویژگی‌های آرمان‌شهرهای اساطیری است، این چنین از امنیت، رفاه و فراوانی و آسودگی آن سخن می‌راند: «اگر بدان تحویل توانید کرد در امن و راحت و خصب و فراغت افتید» (همان: ۸۴). در این داستان هم‌چون بعضی دیگر از داستان‌های آرمان‌شهری کلیله و دمنه اصل وجود آرمان‌شهر با نیرنگ و دسیسه همراه است و چنین جایی در اساس وجود ندارد.

۳- در داستان «غوکی که در جوار ماری می‌زیست» از باب شیر و گاو؛ غوک که از مار و حمله‌های او به‌ستوه آمده به دوست خود پنج‌پایک وضعیت اقامتگاه خود را بسیار خوش و فرازمینی شرح می‌دهد و تنها اشکال آن را وجود مار می‌شمارد: «... نه با او مقاومت می‌توانم کردن و نه از این‌جا تحویل، که موضع خوش و بقعت نزه است، صحن آن مرصع به زمرد و مینا و مکذل به بسد و کهربا» (همان: ۱۱۸). گویی این مکان آرمانی مانند قصر پادشاهان جواهرنشان شده. آنگاه هم‌چون آرمان‌شهرهای اساطیری آن را چونان بهشتی زمینی دانسته و آب و خاک آن را به زمزم و کوثر و عنبر و کافور مینوی مانند می‌کند: «آب وی آب زمزم و کوثر // خاک وی خاک عنبر و کافور» (همان: ۱۱۹). سپس از انزوا، دردست‌رس نبودن و جزیره‌ای بودن آن که از ویژگی‌های آرمان‌شهرهای اساطیری است چنین گوید که «دست صبا» و پای چهارپایان نیز بدو نرسیده: «شکل وی ناپسوده دست صبا // شبه وی ناسپرده پای دبور» (همان)

۴- در «باب دوستی کبوتر و زاغ و موش و باخه و آهو»؛ تمامی اهالی آرمان‌شهر با هم‌دلی، هم‌راهی و اتحاد که خود از ویژگی‌های جامعه آرمانی است در برابر صیاد که نماد دشمنی، شر و پلیدی است توانستند از آن محافظت نمایند اما به هر حال نباید از نظر دور داشت که این آرمان‌شهر فی‌نفسه از گزند شر و دشمن محفوظ نبوده و به یاری و هم‌دلی این کار برآمده است. در این داستان تمام جانوران که دارای تمایزات و تفاوت‌های بسیاری‌اند با یک‌دلی دشمن را دفع کردند و بدینسان برای خود رفاه و عیشی ابدی فراهم ساختند که از ویژگی‌های آرمان‌شهر است: «آهو و زاغ و موش و باخه فراهم آمدند و ایمن و مرفه سوی مسکن رفت، بیش نه دست بلا به دامن ایشان رسید و نه چشم بد رخسار فراغ ایشان زرد گردانید. به یمن وفاق عیش ایشان هر روز خرم‌تر بود و احوال هر ساعت منتظم‌تر» (همان: ۱۸۹). آنگاه در ادامه به خوبی سعادت را در مفهوم آرمان‌شهری آن به توصیف می‌کشد: «لَيَالِيهِمْ مِثْلُ أَيَّامِهِمْ // ضِيَاءٌ وَأَنْسَاءٌ وَ مَا مِنْ أَرْقٍ» (همان: ۱۹۰). یعنی شب‌های ایشان چون روزهاشان، در روشنایی و انس، نه از نظر بیداری. «و أَيَّامُهُمْ كَلَيَالِيهِمْ // سَكُونًا وَ رَوْحًا وَ مَا مِنْ غَسَقٍ» (همان) و روزهای ایشان مانند شب‌هاشان، در آرامش و آسایش، نه از نظر تیرگی.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۵- در «باب بوزینه و باخه»؛ باخه بر آن است که بوزینه را مشتاق خانه خود کند، او از مکانی بسته یعنی جزیره‌ای دور از دسترس دارای امنیت، آسایش، رفاه و فراوانی یعنی هرآنچه لازمه یک آرمان‌شهر است، سخن می‌راند: «من ترا بر پشت بدان جزیره رسانم که در وی هم امن و راحت است و هم خصب و نعمت» (همان: ۲۴۷). در این جا اصل وجودی آرمان‌شهر با نیرنگ و خدعه همراه است.

۶- در حکایت «شیر گر گرفته و روباه و خر» از باب «بوزینه و باخه»؛ روباه با مکاری برآن است خر را به مرغزاری برد که آن را چنین با توصیفات ظاهری هم‌چون کاخی جواهرنشان و عطرآگین به تصویر می‌کشد: «اگر فرمان بری تو را به مرغزاری برم که زمین او چون کلبه گوهرفروش به الوان جواهر مزین است و هوای او چون طبل عطار به نسیم مشک و عنبر معطر» (همان: ۲۵۴). آنگاه هم‌چون دیگر موارد مشابه از بکر بودن و دور از دسترس بودن آن گوید: «نه امتحان پسوده چنو موضعی به دست // نه آرزو سپرده چنو بقعتی به پای» (همان: ۲۵۵). گویی که نه دست امتحان و تجربه بدان رسیده و نه پای آرزو بدان راه یافته است. بنابراین آرمان‌شهری کاملاً بکر به تصویر آمده. انزوای آرمان‌شهرها نوید امنیت از دشمنان و نیز دوری از نیروهای اهریمنی را به همراه دارد اما به هر حال در این آرمان‌شهر نیز خیانت و نیتی پلید آرامش را بر هم زده گره داستان را آفریده است.

۷- در «باب شیر و شغال» یا «باب شیر و ابن آوی»؛ مرغزاری رویایی را به تصویر می‌کشد و از آن جا که برای بشر در دوره‌های باستانی، آسمان و اجرام آسمانی در هاله‌ای از تقدس و رازآلود به نظر می‌رسیدند، ماه و زهره از این مرغزار، زیبایی و دل‌افروزی می‌آموزند. آشکار است که هم‌چنان توصیف این مکان بهشت‌گونه ظاهری و کالبدی است: «مرغزاری بود که ماه رنگ‌آمیز از جمال صحن او نقش‌بندی آموختی و زهره مشک‌بیز از نسیم اوج او استمداد گرفتی» (همان: ۳۱۱-۳۱۲). فردوس این جهانی تا حدی فرازمینی به تصویر کشیده شده که باغ بهشت و فلک آتش را نیز منسوخ و مقهور خود ساخته: «نموده تیره و منسوخ با هوا و فضا // صفای چرخ اثیر و صفات باغ ارم» (همان: ۳۱۲). هم‌چنان مانند اغلب حکایات آرمان‌شهری در ادب کلاسیک فارسی با توجه به نماد شیر به عنوان شجاعت، شکوه و نیز سلطنت، چنین ادامه می‌دهد؛ «ملک ایشان شیری که همه در طاعت و متابعت او بودند و در پناه حشمت و حریم سیادت او روزگار گذاشتندی (همان). آنگاه مرغزارها و شاخه‌های گل‌های خواب‌آلوده آن خوش‌جای را به طاووسان بدون پا و مارهای رنگین بی‌سر مانند می‌کند: طاووس تجلی بلا آرجل // اراقم تسعی بلا آروس» (همان). نکته قابل توجه متابعت و فرمان‌برداری همگان از این پادشاه است که بسیار باشکوه و دارای سیادت توصیف شده اما از عدل و دادگری او سخنی نرفته است.

۸- در «باب تیرانداز و ماده‌شیر»؛ ماده‌شیری را در بیشه‌ای با خصوصیات ظاهری آرمان‌شهر به تصویر می‌کشد: «فی صحن آجام حصاها لوءلوء» (همان: ۳۳۵) یعنی: «در عرصه بیشه‌هایی که سنگ‌ریزه آن مروارید است.» بنابراین این بیشه از نظر شکوه و مکتب و ثروت به کاخ پادشاهان می‌ماند و «و تراپها مسک یثاب بعتبر» (همان). یعنی: و خاشاکش مشک که بیامیزد با عنبر. آنگاه آن را در ادامه به‌گونه‌ای اسرارآمیز، سبز اما غیر بارانی و روشن به هنگام شب اما بدون ماه به تصویر می‌کشد. به هرروی در این داستان نیز تیرانداز به عنوان نیروی اهریمنی توازن آرمان‌شهر را برهم‌زده، برای توله‌های ماده‌شیر که هردو نماد شجاعت و دلاوری به شمار می‌روند اما هنوز به رشد و تکامل کامل نرسیده‌اند، نابودی و مرگ را به همراه می‌آورد.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

آرمان شهر در مرزبان نامه

مرزبان نامه از تصاویر آرمان شهری سرشار است. برای نمونه به ترتیب باب‌ها به تحلیل بعضی موارد پرداخته شده:

۱- باب دوم «غلام بازرگان»؛ هنگامی که غلام پادشاه می‌شود، برای در امان ماندن از آسیب دشمنان، اقدام به بنا نهادن آرمان شهر می‌کند؛ «تخت حلقه شهری در کشیدند و بناهای مرتفع و سراهای عالی و منظرهای دل‌گشا به سقف مقرنس و طاق مقوس برکشیدند و دیوارهای ملون و مشبک چون آبگینه به سرخ و زرد و فرش‌های پیروزه و لاجورد برآوردند و سرایی در ساختی که مهذب نسیم راحت بود، خاصه پادشاه را بساختند چون حجره آفتاب روشن و روحانی» (وراوینی، ۱۳۸۳: ۱۱۸-۱۲۰). توصیف این آرمان شهر، بیرونی و ظاهری است و بیش‌تر مربوط به وصف معماری آن است. نکات قابل تامل آن است که کوشک خاص پادشاه، «چون حجره آفتاب، روشن و روحانی» است. روشنی که نماد راستی، شفافیت، شادمانی و زندگی است از نیروهای اهورایی است. بنابراین صفت «روشن» را با «روحانی» نیز همراه ساخته است. همان‌طور که پیش‌ازین نیز گفته شد خانه‌ها و قصرهای بسیار روشن از ویژگی‌های آرمان شهرهای اساطیری به شمار می‌رود. آنگاه به مرتفع بودن افسانه‌ای و اسطوره‌ای آن می‌پردازد: «کنگره او سر بر سپیدکوشک فلک افراخته و شرفات ایوانش با مطامع برجیس و کیوان برابر نهاده» (همان: ۱۲۲-۱۲۳). با چنین توصیفی وجود امنیت را خاطر نشان می‌کند چراکه آرمان شهر را در مکان‌های بلند می‌ساختند تا از تعرض و آسیب دشمنان و نیروهای اهریمنی به دور باشد. از سوی دیگر معتقد بودند که بلندی و ارتفاع، ایشان را به آسمان و ملکوت نزدیک‌تر می‌کند. بدین ترتیب ارتفاع برای آنان جنبه تقدس نیز داشته است.

پس از آن به تمهیداتی برای ایجاد برکت و فراوانی به منظور رفاه اقتصادی می‌پردازد: «پس اشارت کرد تا هر جای پیرامن شهر مزرعه و ضیعه احداث کردند و تخم بسیار در زمین پاشیدند و از انواع حبوب بسی بکاشتند... باغ در باغ و بستان در بستان بنهادند و آب‌های عذب زلال که گفتی از قدمگاه خضر پدید آمدست یا از سر معجزه موسی چکیده در مجاری و مساری آن روان کردند» (همان: ۱۳۳-۱۳۷). پس از آن که راوی به مدد معجزات مربوط به داستان‌های دینی به آرمان شهر مورد نظر تقدس می‌بخشد و البته فضایی چونان بهشت را به تصویر می‌کشد، هم‌چنان به وصف تدابیری به منظور ایجاد وفور نعمت و فراوانی ادامه می‌دهد زیرا در آرمان شهر همگان باید در رفاه باشند. رفاهی که توصیف شده بیانگر خودکفایی و استقلال و بی‌نیازی از خارج این آرمان شهر است. گویی آن قدر خوردنی و نوشیدنی و گستردنی وجود دارد و نیز تمهیداتی برای بازتولید آن‌ها اندیشیده شده که حتی «روزگار» نیز قادر به تباهی آن نیست؛ «باغ و راغ پییراستند و انهار به اشجار پییراستند و فسیل سرو و عرعر بر اطراف هر جوپیار بنشانند و بقعه‌ای که از هفت اقلیم ربع مسکون چون ربیع از چهار فصل عالم به لطف مزاج و اعتدال طبع بر سر آمد، تمام کردند و از مفارش و مطارح و آلات و امتعه و مطعوم و مشروب و منکوح و مرکوب چندان بدان شهر کشیدند که روزگار دست تباهی به امداد و اعداد آن نرساند» (همان: ۱۳۷-۱۴۰).

۲- باب چهارم «داستان موش و مار»؛ مار با چنین مکان امن و بهشت‌گونه‌ای مواجه می‌شود: «چشمش بر آن آرام جای افتاد، دری چنان در بستان سرا گشاده که در امن و نزهت از روضه ارم و عرصه حرم نشان داشت» (همان: ۲۳۴). اما نکته بسیار مهم آن است که این خوش‌جای دارای امنیت از تهاجم در امان نیست و مار بدان جایگاه امن تعرض می‌کند: «مار آن کنج‌خانه عاقبت یافت، بر سر گنج

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

مراد بنشست و سر بر پای سلامت نهاد و حلقه وار خود را بر در گنج بست» (همان: ۲۳۵). بنابراین آسیب پذیری این آرمان شهرگونه ثابت می شود که البته اگر چنین نبود گره ای افکنده نشده بود تا داستانی شکل گیرد.

۳- باب پنجم «در دادمه و داستان»؛ ابتدا پادشاه را آن گونه از ویژگی های آرمان شهر است، پرهیزگار و عدالت گستر به تصویر می کشد: «شنیدم که شیری بود به کم آزاری و پرهیزگاری از جمله سباع و ضواری متممیر و از تعرض ضعاف حیوانات متحرز» (وراوینی، ۱۳۸۳: ۲۹۰). آنگاه به توصیف بیشه ای آرمانی می پردازد که گویی بهشت موعود است و طوبی و جوی عسل نیز در آن خودنمایی می کنند: «در بیشه ای متوطن که گفتم پیوند درختان او از شاخسار دوحه طوبی کرده اند و چاشنی فواکه آن از جوی عسل در فردوس اعلی داده» (همان). سپس از امنیت، رفاه و آسایش اهالی این آرمان شهر سخن می راند که مرغ و آهو و دیگر اهالی آن در امن و امان اند: «مرغان بر پنجره اغصانش چون نسر و دجاج بر کنگره این کاخ زمردین از کمان گروهه آفات فارغ نشسته، آهوان در مراتع سبزه زارش چون جدی و حمل بر فراز این مرغزار نیلوفری از گشاد خدنگ حوادث ایمن چریده» (همان). بعد از آن به انزوا و دور از دسترس بودن این مکان آرمانی می پردازد که روزگار از شاخه های بارورش دست میوه چینان را باز داشته: «کس از مقاطف اشجارش به قواصی و دوانی نرسیده. روزگار از مجانی ثمارش دست تعرض جانی بریده» (همان: ۲۹۱) و در بیان بکر بودن این بیشه با صنعت تشخیص همراه گشته، آن را این چنین به زیبارویی دور از دسترس مانند می کند که: «پسته لبان بادام چشمش را جز شمال و صبا گوشه تقی اوراق بر نداشته، دندان طامعان به لب ترنج و غیب نارنج او نارسیده» (همان: ۲۹۲). آشکار است که تمامی توصیفات این آرمان شهر، در حوزة آرمان شهرهای اساطیری، ظاهری و کالبدی است.

۴- باب هفتم «در شیر و شاه پیلان»؛ این داستان که مبارزه شیر به عنوان پادشاه و لشکریان او در برابر شاه پیلان و سپاهیان اوست، سرانجام با درایت و کاردانی و نیز هم فکری، اتحاد و مشورت که شیر موجبات آن را فراهم می آورد به فتح و ظفر در برابر پیلان می انجامد. با توجه به این داستان که خود، داستان های حاشیه ای دیگری را نیز در بر دارد، برابری و عدالت گستری شیر زمینه هماهنگی و هم دلی در مواجهه با دشمنان را فراهم می آورد که تمامی این ها ویژگی های آرمان شهری است که او پادشاه آن است. درباره خاستگاه ایرانی مرزبان نامه که بررسی و تحلیل آن در این پژوهش نمی گنجد (ر. ش به؛ رضایی، ۱۳۸۹: ۵۱-۶۰)، به عنوان یکی از دلایل می توان به این داستان استناد جست؛ مقابله شیر به عنوان نماد ایران باستان در برابر فیل که نمادی از هند به شمار می رود و این که سر انجام پیروزی شیر بر فیل محقق شده. یعنی در واقع برتری نماد ایران صورت پذیرفته و شیر مقتدر و عدالت گستر گویی پادشاهی دارنده آرمان شهری پیروز است. هر چند که او به تأیید الهی یعنی در پرتو فرّه ایزدی توانسته بدین خصایص نایل آید: «پادشاهان به تأیید الهی و توفیق آسمانی مخصوص اند» (وراوینی، ۱۳۸۳: ۴۶۲). هم چنین باید به توصیف فیل به عنوان نماد پلیدی و اهریمنی توجه داشت: «شاه پیلان فرعون وار به قر خویش و عون بازوی بخت استظهار کرد» (همان: ۵۴۷). در برابر شیر که جامع خوبی های اهورایی است؛ «شیر پادشاهی ست پادشاه زاده از محتد اصیل و منشأ کریم و ائیل، شهریاری و فرمانروایی بر سباع آن بقا از آباء کرام او را موروث مانده و به کرایم آثار عادات آثار مکتسبات خویش با آن ضم گردانیده» (همان: ۴۶۴-۴۶۵). نکته قابل توجه در داستان شیر و شاه پیلان، آن است که این آرمان شهر از هجوم دشمن خارجی مصون نیست بلکه شاه پیلان قصد تعرض به ولایت شیر می کند گویی اگر حمله ای

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

صورت نگیرد گره‌ای افکنده نشده و داستانی شکل نمی‌گیرد. این موضوع یعنی آسیب‌پذیری آرمان‌شهرها در دیگر داستان‌های مرزبان‌نامه نیز تکرار شده است.

۵-باب هشتم «در شتر و شیر پرهیزگار»؛ در توصیف اقامتگاه آرمانی شیر، گرگ و میش این‌چنین در صلح و آرامش و صفا به سر می‌برند: «در نیستانی وطن داشت که آن‌جا گرگ و میش چون نی با نیشکر آمیختی و یوز و آهو چون خار و گل از یک چشمه آب خوردندی» (همان: ۵۵۹). آنگاه درباره شدت انزوا و دوراز دست‌رس بودن این مکان آرمانی گوید: «در حمای قصباء او خرقة قصب از خرق ماهتاب ایمن بودی و دامن ابر از تعرض آفتاب آسوده، رسته بازار وجود شحنة سیاستش راست کرده، گرگ به خزّاری چون کرم به قزّاری نشسته، آهوان به عطّاری چون سگ به استخوان کاری مشغول گشته» (همان: ۵۶۰). در این آرمان‌شهر همه از حقوق یکسانی برخوردارند و صلح حک‌فرمایی می‌کند. در این «حمای قصباء» (نیزار محافظت شده) امنیتی افسانه‌ای جاری است. معمولاً در مرزبان‌نامه آرمان‌شهر به صورت شهر، نیستان، بیشه، کوه بلند و نظایر آن آمده است.

۶-باب نهم «در عقاب و آزادچهره و ایرا»؛ دو کبک به نام «آزادچهره» و «ایرا» در بهشت‌جایی مسکن دارند که این‌گونه در بلندجایی دور از دست‌رس و امن به تصویر کشیده شده: «شنیدم که در حدود آذربایجان کوهی ست به بلندنامی و انواع نبات و نوامی مشهور» (همان: ۴۵۱). تمامی جان‌داران از حوادث گوناگون به امنیت آن پناه برده‌اند: «اجناس وحوش و طیور از فضای هوا و عرصه هامون در معاطف دامن او خزیده و گریبان از دست‌گریم حوادث درکشیده» (همان). آنگاه از رفاه و وفور نعمت آن آرمان‌جای سخن می‌راند: «در آن مراتع و مراتع میان ناز و نعیم پرورده و از مجاورت نیاز و ناکامی رخت اقامت به ساحت آن منشأ خصب و راحت آورده، ره‌نشینان شام و سحر به نام منابت خاکش طبله عقاقیر گشوده، ناک دهان صبا و شمال به بوی فوحات هوایش نافه ازاهیر شکافته» (همان: ۴۵۲). سپس با توصیفات دارای تلمیحات به آن جای قدرت فرازمینی و تقدس پیامبرانی رازآلود چونان «خضر» و «ادریس» را می‌بخشد که آنان نیز در آرزوی چنین بهشتی به سر می‌برند: «خضر از چشمه حیوان، چاشنی زلال انهارش گرفته، ادریس از سایه طوبی به ظلال اشجارش آرزومند شده» (همان). سرانجام آن مکان را دارای درخت «طوبی» (همان) دانسته و این‌گونه به بهشت مانند می‌کند: «هی الخلد تجمع ما تشتهی» (همان: ۴۵۳). یعنی: آن سرزمین بهشت جاودان است. بدین ترتیب محل زندگی این دو کبک تمامی ویژگی‌های آرمان‌شهر اساطیری را دارد و توصیفات آن نیز بیرونی و کالبدی است اما درخصوص امنیت و عدم دست‌رسی به آن دچار خلل است چراکه عقاب بدان راه‌یافته و آرام دو کبک را برهم می‌ریزد.

نتیجه‌گیری

اتوپیا، آرمان‌شهر، ناکجاآباد یا مدینه فاضله جامعه آرمانی و سعادت‌بخش بشر است که همواره در آمال و آرزوهای او رخ نموده است. این جامعه آرمانی برای ایرانیان در دوره اساطیری بیش‌تر دارای توصیفات بیرونی، کالبدین و ظاهری بوده. شاهی دارای فره و مقتدر در راس امور حکمرانی می‌کرده که تمامی اهالی بدون نقص و کاستی نیز فرمان‌بردار او بوده‌اند. آرمان‌شهر در آسمان، زیر زمین یا در جزیره‌ای دورافتاده قرار داشته که در این انزوا و دور از دست‌رس بودن خود بتواند مکانی دنج و امن فراهم آورد، وفور نعمت و فراوانی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

بسیار بوده. از نظر معماری بناها در مکان‌های بسیار بلند، باشکوه و زیبا قرار داشته که بلندی و نزدیکی به آسمان بدان‌ها تقدس می‌بخشیده. سیمای آرمان‌شهر در دوره تاریخی گسترده‌تر، انسانی‌تر و البته درونی‌تر شده بیش‌تر جنبه سیاسی، اجتماعی و اخلاقی پیدا کرده. در دوره‌های اسلامی نیز آرمان‌شهرهای به تصویر کشیده شده یا صورت مثالی و ذهنی داشته و یا براساس نظریه مدینه فاضله فیلسوفان ایرانی - اسلامی چون؛ ابن سینا، محمد فارابی و خواجه نصیرالدین طوسی دارای نظامی عقلائی و اندیشمندانه بوده که حول محور نظام سیاسی قرار داشته. آرمان‌شهرهای دینی عمدتاً بر پایه انتظار و نیز تلاش برای از راه رسیدن منجی دینی چون حضرت امام زمان (عج) و حضرت مسیح (ع) بنا شده‌اند.

کلیله و دمنه با یک دیدگاه خاستگاه ایرانی دارد و یا ایرانیان در تکمیل و تکامل متن آن سهم به‌سزایی داشته‌اند. مرزبان‌نامه که به تقلید از آن فراهم آمده بی‌تردید خاستگاهی ایرانی دارد. بنابراین هر دو اثر بیانگر سیمای آرمان‌شهر در اندیشه‌های ایران باستان به شمار می‌روند. درخصوص سیمای ایران‌شهری و توصیفات آن در این دو اثر تمثیلی، با نگاهی به برآیند متن و بررسی حکایات هردو اثر، می‌توان گفت؛ توصیفات مربوط به آرمان‌شهر در هردو اثر، بیرونی، کالبدی و ظاهری است و سیمای ارائه شده از مکان‌های سعادت‌بخش مورد نظر به آرمان‌شهرهای اساطیری مانند است و میان هردو کتاب تشابه بسیار زیادی وجود دارد. برای مثال: اغلب آرمان‌شهرها به بهشت تشبیه شده‌اند؛ بهشتی که دارای وفور نعمت و برکتی تمام‌ناشدنی به تصویر کشیده شده. بناها و قصرهای این جوامع آرمانی بسیار بلند و سر به فلک کشیده است گویی بدینسان با نزدیکی به آسمان تقدس یافته. بناها چونان قصرهای پادشاهان افسانه‌ای جواهرنشان، بسیار روشن و نیز خوش‌بو و معطر است. انزوا و دردسترس بودن تمامی آن‌ها به ایجاد فضایی امن و آرام یاری رسانده که اهالی از دست‌برد دشمن یا حوادث طبیعی در آسایش و اطمینان‌اند.

باوجود ادعای امنیتی و صف‌ناپذیر نقطه‌ضعف مشترک این آرمان‌سراهای افسانه‌ای آن است که سرانجام این امنیت دچار خلل شده، دشمنی پلید و اهریمنی بدان راه می‌یابد و گره داستان را افکنده باقی ماجراها را پیش می‌برد. بنابراین گویی موضوع امنیت که می‌بایست یکی از برجسته‌ترین مفاهیم شهرهای آرمانی باشد، در اندیشه ایرانیان باستان، مهم‌ترین دغدغه بوده تنها در آرزوها و آرمان‌ها تمامیت داشته اما در افسانه‌ها و حکایات تمثیلی این دل‌نگرانی‌ها از ناخودآگاه قومی، جمعی یا ملی پا به عرصه وجود نهاده، موجب تدابیر و نگرانی‌ها شده، حوادث داستان‌ها را پیش برده است. نکته بسیار قابل توجه، شباهت این آرمان‌شهرهای اساطیری در دو اثر مورد مطالعه است و نیز هردو در خلل توضیح داده شده نیز ماندگی غیر قابل انکاری دارند.

منابع

- ابن ندیم، محمدبن اسحاق (۱۳۹۴) ترجمه محمدرضا تجدد، تهران: اساطیر.
- اصیل، حجت الله (۱۳۷۱) آرمان‌شهر در اندیشه ایرانی، چاپ اول، تهران: نی.
- بهار، محمدتقی (۱۳۷۰) سبک‌شناسی یا تاریخ تطوّر نثر فارسی، چاپ ششم، تهران: امیرکبیر.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

- جمعی از نویسندگان (بی تا/ دیجیتالی) دانش نامه مهودیت و امام زمان عجل الله تعالی فرجه، ج ۱، پایگاه تخصصی عاشورا.
- رضایی، مهدی (۱۳۸۹) «مرزبان نامه یادگاری از ایران عهد ساسانی»، فصل نامه پژوهش های ادب عرفانی، ش ۱۳، صص ۴۷-۶۸.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۸) دو قرن سکوت، تهران: سخن.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۷۴) تاریخ ادبیات در ایران، ج ۱ و ۲، چ دوازدهم، تهران: فردوس.
- ظهیری ناو، بیژن و همکاران (۱۳۸۹) «سیر و تداوم اندیشه های ایران شهری در کلیله و دمنه»، فصل نامه متن شناسی ادب فارسی، پاییز ش ۷، صص ۷۷-۹۶.
- علیزاده، ندا (۱۳۹۴) پایان نامه کارشناسی ارشد گروه زبان و ادبیات فارسی؛ «آیین حکمرانی در متون تعلیمی - تمثیلی فارسی؛ کلیله دمنه، مرزبان نامه و روضه العقول»، استاد راهنما؛ حسین صدقی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.
- فخاری، مرضیه (۱۳۸۷) «جنبه های اخلاقی اجتماعی سیاست در باب اول مرزبان نامه»، ماه نامه حافظ، آذر، ش ۵۷، صص ۳۵-۴۰.
- کزازی، میر جلال الدین (۱۳۸۵) نامه باستان؛ ویرایش و گزارش شاهنامه فردوسی (از آغاز تا پادشاهی منوچهر)، ج ۱، تهران: سمت.
- مجتبیای، فتح الله (۱۳۹۰) «چند نکته درباره مرزبان نامه؛ مصنف و زبان اصلی آن»، دو فصل نامه علامه (نامه پژوهشی ادبیات و عرفان)، سال یازدهم، ش ۳۳، صص ۱۷۷-۱۸۹.
- محبوب، محمدجعفر (۱۳۳۶) درباره کلیله و دمنه، چ اول، تهران: خوارزمی.
- منشی، نصرالله بن محمد (۱۳۷۱) ترجمه کلیله دمنه انشای ابوالمعالی نصرالله منشی، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی طهران، چ دهم، تهران: امیرکبیر.
- میر، محمدتقی (۱۳۶۸) بزرگان نامی پارس، ج اول، شیراز: دانشگاه شیراز.
- نجفی، عیسی و فرزی، فرزاد (۱۳۹۳) «بررسی اندیشه های ایران شهری در مرزبان نامه»، فصل نامه ادبیات پهلوانی، پاییز و زمستان، ش ۲، صص ۱۲۳-۱۵۴.
- وراوینی، سعدالدین (۱۳۸۹) مرزبان نامه به کوشش؛ خلیل خطیب رهبر، چاپ پنجاهم، تهران: صفی علی شاه.
- هدایت، رضا قلی بن محمد هادی (۱۳۸۲) مجمع الفصحا، به کوشش؛ مظاهر مصفا، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.